
باقرخان سعدالسلطنه
حاکم قزوین در عصر ناصری

پژوهش و تدوین
مهدی نورمحمدی



انتشارات سخن، تهران

سرشناسه	: نورمحمدی، مهدی، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور	: باقرخان سعدالسلطنه حاکم قزوین - ناصر/ پژوهش و تألیف مهدی نورمحمدی.
مشخصات نشر	: تهران: سخن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۶۸۶-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۷۹.
موضوع	: سعدالسلطنه، باقر بن اسماعیل. - ۱۳۲۵ق.
موضوع	: استانداران و فرمانداران - ایران - قزوین
موضوع	: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۲۴ق.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ن ۷۹ ص ۱۳۹۱/ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۲۵۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۰۳۵۲۶



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان خورشید، خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

تکیر ۶۶۴۰۵۰۱

www.sokhanpub.com

e-mail: info@sokhanpub.com

باقرخان سعدالسلطنه

حاکم قزوین در عصر ناصر

پژوهش و تألیف: مهدی نورمحمدی

صفحه‌آرایی و امور رایانه: مهدیه خسرویانی

چاپ اول: ۱۳۹۳

لیتوگرافی: صدف

چاپ: مهارت

تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۶۸۶-۷

تلفن تماس برای تحویل کتاب در منزل و محل کار

۶۶۹۵۳۸-۵ ، ۶۶۹۵۳۸-۴

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۲۱	سال شمار وقایع تاریخی (بر مبنای هجری قمری)
۲۹	زندگی مه‌سعد السلطنه
۳۱	نام
۳۱	تاریخ تولد
۳۱	زادگاه
۳۲	نسبت با امین‌السلطان
۳۳	از نوکری امین‌السلطان تا آفرینش شاه
۳۳	همراهی با ناصرالدین شاه در غر او - گرنگ
۳۴	ساخت راه شوسه تهران - قزوین
۳۷	نگهداری از راه شوسه
۳۸	ساخت مهمانخانه بزرگ قزوین
۴۲	ریاست و مدیریت مهمانخانه بزرگ قزوین
۴۲	ساخت خیابان تهران و مسجد میرزا شفیع
۴۲	باقر خان، حاکم بی‌تاج و تخت قزوین
۴۶	سعد السلطنه و تاجرباشی روس
۴۶	کنتک خوردن آقا باقر از خانم خانما
۴۸	مشاغل باقر خان تا سال ۱۳۰۰
۴۸	در سال ۱۲۹۸ قمری
۴۸	در سال ۱۲۹۹ قمری
۴۸	در سال ۱۳۰۰ قمری
۴۹	بردن طبیب به باقلین امین‌السلطان
۴۹	اعطای منصب سرتیپی به آقا باقر
۴۹	ساخت راه شوسه تهران - قم
۵۱	سفرنامه قم
۵۳	ناصرالدین شاه در راه شوسه قم

۵۵	قضاوت عین السلطنه
۵۵	علت واقعی ساخت راه شوسه قم
۵۶	تلگراف امین السلطان به سعدالسلطنه
۵۸	نیابت حکومت قزوین
۵۹	اقدامات باقر خان در دوران نیابت حکومت
۶۱	ارتباط با دربار
۶۱	انساب به حکومت قزوین
۶۲	اعطای منصب سر تپ اولی به باقر خان
۶۲	اعطای لقب السلطنه به باقر خان
۶۴	اقدامات سعدالسلطنه قبل از سفر سوم ناصرالدین شاه به فرنگ
۶۴	رفتن به پیشواز شاه در شش ق
۶۴	استقبال از شاه در عالی قاپو و فرنگی
۶۵	چراغانی و آتش بازی در محلات
۶۶	استقبال از شاه در مهمانخانه
۶۷	همراهی با شاه تا سیاه دهن
۶۸	اقدامات سعدالسلطنه در سال ۱۳۰۶ قمری
۷۱	ساخت رختشوی خانه
۷۲	اسناد سعدالسلطنه در سال ۱۳۰۶
۷۲	تلگراف امین الملک به سعدالسلطنه
۷۳	تلگراف صاحب جمع به سعدالسلطنه
۷۳	تلگراف امین الملک به سعدالسلطنه
۷۴	اقدامات سعدالسلطنه بعد از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر سوم فرنگ
۷۴	آماده شدن برای استقبال از ناصرالدین شاه
۷۴	آوردن همسر شاه به قزوین
۷۵	استقبال از شاه در بلوک قاقازان
۷۶	استقبال از شاه در عمارت عالی قاپو
۷۶	استقبال از شاه در مهمانخانه
۷۷	همراهی با شاه در زیارت امامزاده حسین (ع)

۷۸	تدارک ناهار برای شاه در حصار خروان
۷۸	سعدالسلطنه از دیدگاه امین لشکر
۷۹	اقدامات سعدالسلطنه در سال ۱۳۰۷ قمری
۸۰	بردن امین اقدس به وین
۸۳	اسناد سعدالسلطنه در سال ۱۳۰۷
۸۳	تلگراف بین السلطان به سعدالسلطنه
۸۴	تلگراف بین السلطان به سعدالسلطنه
۸۵	تلگراف اقبالسلطنه به سعدالسلطنه
۸۵	اقدامات سعدالسلطنه در سال ۱۳۰۸ قمری
۸۷	زندانیان سیاسی در قزوین
۸۹	سعدالسلطنه در خاطرات - شرح سراج
۸۹	تحويل دادن زندانیان به سعدالسلطنه
۹۰	از تهران تا قزوین
۹۱	در زندان قزوین
۹۲	فرستادن زندانیان به حمام
۹۲	آموختن زبان انگلیسی
۹۲	ورود مستشارالدوله به قزوین
۹۳	فرستادن طیب
۹۳	روضه خوانی ماه محرم
۹۴	دو دسته جاسوس
۹۴	مهربانی عیال سعدالسلطنه
۹۵	نهضت تنباکو - آشوب در طهران
۹۵	عکس برداری از زندانیان
۹۶	سرایت آشوب به قزوین
۹۶	عزل سعدالسلطنه
۹۷	شام و ناهار خوب سعدالسلطنه
۹۷	مرگ عبدالعلی خان
۹۷	انتصاب مجدد سعدالسلطنه به حکومت قزوین

۹۸	آزادی محبوسین
۹۹	گردش در شهر
۹۹	وداع با سعدالسلطنه
۱۰۰	اهتمام در تنظیف شهر
۱۰۰	عزل سعدالسلطنه و انتصاب حسامالسلطنه
۱۰۲	رود حسامالسلطنه به قزوین
۱۰۳	انتصاب مجدد سعدالسلطنه به حکومت قزوین
۱۰۳	علل انتصاب مجدد سعدالسلطنه
۱۰۶	اعطای مناصب و ترفیحاتی به سعدالسلطنه
۱۰۷	امتیاز راه و سوسه
۱۰۹	اقدامات سعدالسلطنه در سال ۱۳۱۱ قمری
۱۱۱	اقدامات سعدالسلطنه در سال ۱۳۱۲ قمری
۱۱۲	اقدامات سعدالسلطنه در سال ۱۳۱۲ قمری
۱۱۲	واگذاری امتیاز راه شوسه
۱۱۳	استقبال از مظفرالدین شاه
۱۱۴	عزل سعدالسلطنه از حکومت قزوین
۱۱۴	علت عزل سعدالسلطنه
۱۱۸	اقدامات سعدالسلطنه در قزوین در یک نگاه
۱۲۱	سعدالسلطنه به روایت سید محمدعلی گلریز
۱۲۳	اجزای حکومتی سعدالسلطنه در قزوین
۱۲۳	میرزا ابوتراب مستشار
۱۲۴	میرزا عبدالکریم سررشته‌دار
۱۲۴	عبدالعلی خان
۱۲۴	میرزا حسن خان امین‌الوزاره
۱۲۵	میرزا عباس خان تفرشی
۱۲۶	نایب جعفرقلی
۱۲۷	نایب نوروز خان
۱۲۸	اوضاع قزوین بعد از عزل سعدالسلطنه

۱۲۸	حکومت گیلان
۱۳۱	عزل سعد السلطنه از حکومت گیلان
۱۳۱	علت عزل سعد السلطنه
۱۳۴	پیشکاری امیر نظام
۱۳۴	حکومت اردبیل، مشکین شهر و خلخال
۱۳۶	کمک به مدرسه امید
۱۳۷	وزارت آیه - احتساب
۱۴۰	حکومت زنجان و قتل سعد السلطنه
۱۴۶	پایان کار سعد السلطنه
۱۴۷	چند روایت از شورش زنجان و قتل سعد السلطنه
۱۵۵	علت قتل سعد السلطنه
۱۵۶	بازماندگان سعد السلطنه
۱۶۱	پیوست ۱ - داستان‌هایی درباره سعد السلطنه (در هنگام حکومت قزوین)
۱۷۱	پیوست ۲ - مجموعه تاریخی سعد السلطنه
۱۷۴	اجزای کاروانسرای سعد السلطنه
۱۷۴	سرای سعد السلطنه
۱۷۴	سرای نگار السلطنه
۱۷۵	سرای سعديه
۱۷۵	سرای بهشتیان
۱۷۵	سرای قهرمانی
۱۷۵	سرای شتر خان
۱۷۵	راسته قیصریه و چهار سوق
۱۷۵	راسته وزیر
۱۷۵	گرمابه رضوی
۱۷۵	گرمابه سعديه
۱۷۶	سرای سعديه به روایت سید محمد علی گلریز
۱۷۹	اسناد و عکس‌ها
۲۷۹	منابع

www.ketab.ir

پیشگفتار

پویایی، حیات و بقای هر ملتی نیازمند شناخت و درک صحیح گذشته و بررسی دقیق رخدادهای آن است. بدون شناخت گذشته، ساختن آینده‌ای بهتر غیر ممکن است. برای رسیدن به آینده‌ای بهتر، باید گذشته را شناخت و از تجربیات آن عبرت گرفت.

مطالعه در احوال پیشینیان از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال در آیات متعددی در قرآن کریم پیامبر عظیم الشان اسلام را به تفکر و تدبیر در تاریخ و مطالعه احوال اقوام گذشته، فرا می‌خواند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان بلاغه، فرزند گرامی خویش امام حسن مجتبی (ع) را به مطالعه در احوال امت‌ها و سلسله پادشاهان از آن‌ها سفارش می‌کنند.

آری، تاریخ مایهٔ تدبیر و اندیشه است و معلمی است که به انسان‌ها و جوامع بشری می‌آموزد تا آیندهٔ بهتری را برای خود رقم زنند و تکرار اشتباهات گذشتگان پرهیز کنند.

شهر تاریخی و فرهنگی قزوین با پیشینه‌ای ارزشمند، از دیرباز یکی از کانون‌های مهم علم، فقه، فلسفه، هنر، معماری، خوشنویسی و ... بوده و نقش مهمی در تاریخ پرافتخار کشور داشته است. این شهر تاریخ ساز در دورهٔ صفویه توسط شاه طهماسب به پایتختی برگزیده شد. با انتخاب شدن قزوین به پایتختی، دورهٔ رشد و شکوفایی شهر آغاز شد و عمارت‌ها، کاخ‌ها، باغ‌ها و میادین زیبایی در آن احداث گردید. ساختن و بازسازی خانه‌های صفوی و خیابان دولتی به عنوان اولین خیابان ساخته شده در ایران، از یادگارهای درخشان پایتختی قزوین است. دوران درخشانی که قزوین را به الگویی برای معماری کشور تبدیل کرد.

با توجه به این گذشتهٔ پر بار تاریخی، بر محققین و پژوهشگران فرض است که به روشن کردن زوایای پنهان تاریخ این خطهٔ زرخیز بکوشند و ویژگی‌ها و توانمندی‌های آن را به‌کار گیرند. خوشبختانه تحقیق دربارهٔ قزوین در سالیان اخیر، رشد و شتاب مطلوبی یافته و آثارهای ارزنده‌ای نیز در این خصوص صورت گرفته است.

یکی از پژوهشگرانی که سال‌هاست عاشقانه و با علاقهٔ فراوان، به تحقیق در خصوص قزوین و شناسایی زوایای پنهان آن مشغول است، آقای مهدی نورمحمدی است. اینجانب به نوبهٔ خود از این محقق سختکوش تشکر می‌نمایم و بسیار خرسندم که این بار نیز به تدوین و تألیف اثری تحقیقی در خصوص برهه‌ای از تاریخ این سرزمین تاریخ ساز، توفیق یافته است.

چنین آثار ارزشمندی، چراغ راه آیندگان است و مسئولیت نسل های بعدی در قبال نگهداری از میراث ارزشمند پیشینیان را سنگین تر می کند. امیدوارم پژوهشگران دیگر نیز این مسیر را ادامه دهند و بر آثار ارزشمندی از این دست بیفزایند. بر مسئولین نیز فرض است که حمایت از خلق چنین آثاری را در صدر برنامه های خود قرار دهند.

امروز قزوین عزیز در مسیر توسعه و تحول قرار دارد. در چنین شرایطی، شهرداری با اتکال به مدای تعال، مشارکت بخش خصوصی و یاری گرفتن از شهروندان فهیم قزوینی، رسیدن به شهر «ایمن، شاداب، پایدار با رونق اقتصادی و جاذبه های گردشگری را چشم انداز خود قرار داده است. امید است با اتصال این گذشته پرافتخار به آینده، قزوین عزیز روز به روز در مسیر ترقی و توسعه گام بردارد و به جایگاه شایسته ای که در خور چنین گذشته پرافتخاری است دست یابد.

مسعود نصرتی

شهردار قزوین و رئیس مجمع جهانی شهر اسلامی

مقدمه

باقر خان سعدالسلطنه، از شخصیت‌های مشهور عصر ناصری و مظفری است. وی که در ابتدا آبدار و نوکر ساده‌ای بیش نبود، به خاطر انتساب به ابراهیم امین‌السلطان و پسرش علی‌اصغر خان اتابک و البته پشتکار و کاردانی خود، پله‌های ترقی را به سرعت پیمود و به مناصبی همچون سرتیپی، امرتومانی، نیابت حکومت و حکومت چند شهر دست یافت و مشاغل و سمت‌های مهم و پرآمیزی را در یک زمان عهده‌دار گردید.^۱

سعدالسلطنه از رجال مورد اعتماد ناصرالدین شاه و از مقربین و محترمین دربار قاجار بود. ناصرالدین شاه در مدت حیاتش با او سفرنامه‌های خود، به دفعات از وی نام برده است. سعدالسلطنه در طول زندگی خود در تهران به اروپا سفر کرد، بار اول همراه با ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگ و دیگر بار در سال ۱۳۰۷ قمری به همراه امین‌افندیس سوگلی محبوب شاه که برای معالجه چشم، عازم وین بود.

نام سعدالسلطنه با قزوین و عصر ناصرالدین شاه به‌طور تنگاتنگی پیوند خورده است. او از سال ۱۲۹۶ تا ۱۳۱۴ قمری با عنوانی چون مدیر انبوه‌مدن، مهمانخانه، رئیس قراسوران راه شوسه، رئیس انبار غله، نایب‌الحکومه و حاکم، حضوری پررنگ در قزوین داشت و در این مدت، علاوه بر دستیابی به مداخل و ثروت فراوان و انباشت جیب خود، خدمات قابل توجهی نیز به این شهر کرد.

اگر چه سعدالسلطنه فردی بی‌سواد بود، اما به فعالیت‌های عمرانی و مرمت بناهای تاریخی علاقه فراوانی داشت. در زمان حکومت او، بسیاری از بناهای تاریخی و مذهبی شهر، همچون عالی‌قاپو، کلاه فرنگی، حیاط نادری، امام‌زاده حسین (ع)، مسجد جامع، و سایر بناهای شهر به‌طور اساسی تعمیر شد. وی به غیر از مرمت بناهای تاریخی، خود نیز بناهای مهمی را قبایل احداث کرد که از آن جمله می‌توان به مجموعه عظیم سعدالسلطنه (شامل کاروانسرا، بازار حمام، خیابان تهران، کاروانسرای خیابان تهران، مهمانخانه بزرگ قزوین، دروازه تهران، دروازه رشت و احداث ادامه بارو و حصار شهر اشاره کرد.

وی علاوه بر این خدمات، با کم‌فروشی، تقلبات کسبه، شرارت، سرقت و ناامنی به شدت

۱. این گونه افراد در همه زمان‌ها وجود دارند و در اصطلاح، آن‌ها را ابوالمشاغل گویند.

مقابله کرد و امنیت را در شهر و اطراف برقرار ساخت. سعدالسلطنه به نظافت و پاکیزگی قزوین نیز توجهی ویژه داشت و در دوران حکومت او، این شهر به بالاترین درجه آبادانی و عمران دست یافت.

ساماندهی خیابان دولتی، ایجاد فضا سازی زیبا همراه با جریان آب در مقابل عالی قاپو، نصب چراغ‌های زیبا در دو طرف خیابان دولتی، تنظیف و آب پاشی مداوم خیابان دولتی، تبدیل آب‌های دوره صفوی و زباله‌دانی‌ها به آبادانی و شکستن رسم بست نشینی خلافاً کاران در بقاع تبرک از دیگر اقدامات سودمند سعدالسلطنه در قزوین به شمار می‌رود.

سعدالسلطنه به خاطر اقدامات عمرانی خود در قزوین، از سوی برخی از شخصیت‌های هم عصر خود و همچنین عده‌ای از محققین و مورخین مورد ستایش قرار گرفته است. برای مثال، ناصرالدین شاه که به عزم سفر سوم فرنگ وارد قزوین شده بود در یادداشت‌های پنج شنبه ۱۷ شعبان سال ۱۲۶۱ قمری چنین نوشته است: «این قزوین آن قزوین نیست که ما دو سال پیش از این آمدم. بصره عیش شده است. در حقیقت، آقا باقر خان سحر کرده است. تمام عمارات و باغ‌ها را به طور بسیار خوب همه را تعمیر کرده است. در حقیقت، از نو ساخته است. عمارت‌های صفویه و نادری و کهنه‌ها را از نو و پنجره و سنگفرش و پرده و چهلچراغ و مبل و غیره با کمال سلیقه و خوبی درست کرده است ... امروز همه‌اش تعریف آقا باقر خان بود ... آن از سوارش، این از نگاه داشتن شهر قزوین، تعمیر عمارات و غیره.»^۱

اعتمادالسلطنه نیز که در ورود ناصرالدین شاه به قزوین، جزو همراهان او بوده است در روزنامه خاطرات خود، در خصوص مرمت بناها و بازسازی قزوین توسط سعدالسلطنه می‌نویسد: «صبح با طلوزان در یک درشکه نشسته، سه ساعت پس از ظهر وارد قزوین شدم. لدی‌الورود به تماشای عمارت^۲ رفتم. دو سال قبل که در رکاب عالی قاپو به قصد سفر گیلان می‌رفتم، این عمارت مخروبه و تل خاکی بود و حالا بهشت شده، طوریکه به شاه در تهران این طور عمارت ندارد.»^۳

حاج سیاح محلاتی که در دوره حکومت سعدالسلطنه در قزوین در حبس بوده است می‌نویسد: «به تماشای درخانه حکومتی که علی قاپو یا عالی قپو گویند رفتیم. قصر و باغ خوب

۱. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگ، کتاب اول، صص ۴۷ و ۴۸.

۲. نام عمارت را ننوشت، اما به احتمال زیاد، منظور وی عمارت کلاه فرنگی است.

۳. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۶۳۳.

وسیعی است و عمارت چهل ستون که همه این‌ها را سعدالسلطنه تعمیر و احیا کرده است. این شخص بی‌سواد در قزوین به طور خوبی و نظم، مدتی حکومت کرده، مردم از وضع حکومت او راضی بودند.^۱

در زیر یکی از عکس‌هایی که عبدالله قاجار، عکاس مخصوص ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۲ قمری از عمارت کلاه فرنگی گرفته است، این عبارت در ستایش سعدالسلطنه به چشم می‌خورد: «جناب سعدالسلطنه از اوقاتی که به حکومت قزوین برقرار شده‌اند، الحق خیلی اسباب آبادی شده، خصوصاً عمارات دولتی را که پس از تعمیر کامل که در حقیقت می‌توان عرض که بناء جدید نموده و بیا کمال نظافت نگاهداری کرده‌اند.»^۲

یحیی دولت‌آبادی که در مورخه شنبه ۸ شعبان ۱۳۲۶ از راه شوسه عبور کرده است می‌نویسد: «آقا باقر سال‌ها حکومت قزوین را داشته و در زمان حکومت او، با وجود این که مرد عامی کم اطلاع بوده، بر آبادی و رفاه قزوین کوشیده شده است. از جمله آثار او، همین راه و متعلقات آن است ... در مدتی که راه شوسه قزوین به قزوین ضمیمه اختیار روس‌ها شده، مزیتی از آن وقت که به دست سعدالسلطنه بوده حاصل نمی‌شد. اگر خراب‌تر نشده باشد، آبادتر نگشته است.»^۳

احمد کسروی می‌نویسد: «سعدالسلطنه را چنانچه که ما می‌شناسیم، از کسان نیک دربار قاجاری است و در سال‌های واپسین پادشاهی ناصرالدین شاه که ده سال در قزوین حکمرانی داشته، تا توانسته بر آبادی آن شهر ویران کوشیده و بنادهای بزرگی از خود به یادگار گذارده.»^۴

سید محمدعلی گلریز می‌نویسد: «آقا باقر سعدالسلطنه در دوران فرمانداری خودش، در آبادی قزوین زحمت بسیاری کشیده و در عمران این شهر، سهم وافعی داشته است. مخصوصاً به تزئین خیابان [دولتی]، دلبستگی فراوانی نشان می‌داده است و به بزرگی برابر در عالی قاپی ساخته بود که همیشه آب در آن جریان داشت. در دو طرف خیابان چراغ‌های فشنگ با پایه‌های زیبا نصب کرده بود و همه روزه عصرها سراسر خیابان جاروب و آبپاشی می‌شد ... سعدالسلطنه فرماندار قزوین، مردی جدی، مدبر و پشتکاردار و کاربر و زورنگ و آقا دوست

۱. خاطرات حاج سیاح، ص ۴۲۵.

۲. زیرنویس عکس کلاه فرنگی، از مجموعه آلبومخانه کاخ گلستان.

۳. حیات یحیی، ج ۳، ص ۱۱.

۴. تاریخ هجده ساله آذربایجان، بخش یکم، صص ۸۰ و ۸۱.

بود... در حدود پانزده سال در قزوین با قدرت حکومت نمود و کارهای نمایان انجام داد.^۱
 دکتر حسین محبوبی اردکانی با اشاره به مشاغل متعدد سعدالسلطنه و خدمات او در قزوین می‌نویسد: «او در این مشاغل، هم خود ثروتمند شد و هم خدماتی انجام داد. از طرز حکومت او در قزوین اظهار رضایت شده است. چه او در دوره فرمانروایی خودش در آبادی قزوین زحمت بسیار کشیده و در عمران این شهر، سهم وافری داشته است. سرای سعادت یا سعدیه را او ساخته و آثار دیگری نیز به وجود آورده است.»^۲

در کنار این ستایش‌ها، در مواردی نیز از سعدالسلطنه به بدی و زشتی یاد شده است. برای مثال، عباس میرزا ملک‌آرا برادر ناتنی ناصرالدین شاه که طی سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ قمری حکومت قزوین را بر عهده داشت، در خاطرات خود تصویری منفی از آقا باقر خان سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ قمری ارائه داده و به کارشکنی‌ها و همچنین به نحوه کسب درآمد نامشروع توسط او در آن سال‌ها، حین اشاره کرده است: «آقا باقر نایب‌البدارخانه شاهی که آدمی به کلی بی‌سواد و عوام و ذات‌سجید و مانند الواطی که در دکان کله‌پزی و تون تربیت شده باشد رذل و بی‌حیا و پست فطرت، اگر چه ظاهر ریاست راه شوسه و مهمانخانه با او بود، ولی در معنی حاکم بالاستقلال بود. زیرا که او را سواران عبارت از مستحفظین راه باشند و دوست سوارند سپرده به او بود و غلامان حکمران همه جهت سی نفر بودند.»

ثانیاً غله دیوان که چهار هزار خروار بود ابواب جنس او بود و می‌گرفتند و آنچه جنس خالصه بود، خرواری دو قران الی سه قران کرایه می‌داد و آنچه جنس اربابی بود، از اربابان املاک بار کرده، در شهر می‌گرفت و یک دینار کرایه نمی‌داد. تقریباً جنس اربابی هشتصد خروار بود و با کمال شدت، از وقتی که زراعت سنبه نکرده بود تا وقت حاکمیت حکومت مطالبه می‌نمود و دو خروار که می‌گرفت، یک خروار قبض می‌داد و می‌گفت خاک آورد و محصولان او در جمیع دهات می‌رفتند و اذیت می‌کردند و در اوائل سال با اولیای دولت به قیمت ارزانتری سحر کرده، می‌خرید. خرواری هم پنج قران کرایه با دیوان حساب کرده، می‌گرفت. ثالثاً به نظام را ابواب

۱. مینودر، صص ۲۹۰ و ۲۹۲.

۲. چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۲ (تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار)، ص ۵۹۹.

۳. رقت درو.

۴. نبرخ.

جمع او کرده بودند که از حکومت بگیرد و مبلغ چهار هزار تومان بود و اگر چه همیشه رسم بوده و هست در صورتی که مواجب نظام را بدهند هشت ماه از سال گذشته می‌دهند، آقا باقر در کمال شدت در اول سال مطالبه می‌نمود و به طهران می‌نوشت که حکومت در دادن وجه نظام تعلل دارد و می‌خواهد بخورد. از طهران هم لایتنقطع احکامات کتبی و تلغرافی می‌رسید که حکماً وجه را بپردازید. هر چه هم می‌نوشتیم که هنوز موقع پول نشده به خرج نمی‌رفت و آقا باقر به طهران اوتت را تلخ می‌کرد که به شرح نمی‌آید. حکومت هم از لابدی و لاعلاجی، وجه نظام را سوال قری و قصابات و وجوه بازار و غیره می‌نمود. بروات حواله را به دست او می‌داد تا از شر او مستخلص شود. ام هم، محصلین به همه جا می‌فرستاد و زور بر سر مردم می‌آوردند و چون ممکن نبود آن پول بدهند، قدری به اسم مهلتانه می‌دادند و دو سه ماهی مهلت می‌گرفتند و وقتی که پول را می‌گرفت، می‌فرستاد قند و غیره می‌خرید و می‌آورد و می‌فروخت و پول به صرف داده، تنزین در وقت می‌کرد. خلاصه تا هشت ماه از سال گذشته که باید وجه را به سرباز بپردازد، مبالغی از این پول منقض می‌برد. گندم را هم که می‌گرفت، به خیابان طرح می‌کرد و به قیمت اعلی. مثلاً گندم اگر به تومان ارزش داشت، به خباز پنج تومان می‌داد و به ضرب محصل پول می‌گرفت و از این جهت همان گران می‌شد و مردم از چشم حاکم می‌دیدند و شکایت می‌کردند و صرفه را او می‌برد. این مختصری، بلکه از هزار، یکی از حالت آقا باقر و مهمانخانه بود.^۱

عین السلطنه در یادداشت‌های تشبیه ۲۵ جمادی الاول ۱۲۶۰ می‌نویسد: «خیلی قزوینی‌ها بی‌خیر شده‌اند. این چند سال، سعد السلطنه آن‌ها را تمام کرده. هر یک که بوده برده است.»^۲ میر حسن دبیرسیاقی ملقب به دبیر الممالک (۱۲۶۰-۱۳۵۵ خورشیدی) که مدت‌ها ریاست دفتر و نیابت حکومت قزوین را بر عهده داشت، در خاطرات خود با اشاره به سرستاده شدن زندانیان سیاسی به قزوین، از سعد السلطنه به بدی یاد کرده و می‌نویسد: «میر حسن را که از حضور شاه خارج می‌سازند، بلافاصله در همان ساعت شب، کلیه آن‌ها را به وسیله مامورین مخصوص، تحت‌الحفظ به قزوین آورده، تحویل سعد السلطنه خبیث ملعون بی‌حیثیت حکومت قزوین می‌دهند و آن‌ها را در دالان عنمارت نادری که محبس عمومی بوده است، دو سال کنده

۱. شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا، صص ۱۶۲ تا ۱۶۴.

۲. روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۲، ص ۱۱۸۷.

زنجر کرده، محبوس و در زیر شکنجه و آزار به سر می‌برند.^۱

سعدالسلطنه در حکومتداری، شیوه‌ای جالب و منحصر به فرد داشت. او بعضی‌ها شب‌ها به صورت ناشناس در شهر می‌گشت و عملکرد شبگردها و گزمه‌ها را از نزدیک زیر نظر می‌گرفت. علاوه بر این، خبرچین‌های متعددی داشت که اخبار تمامی طبقات شهر، از اشرار و اوباش تا اعیان و اشراف را به اطلاع وی می‌رساندند. به همین دلیل، چنان بر اوضاع شهر تسلط داشت که کمتر موضوعی بود که از وجود آن بی‌اطلاع باشد.^۲

با لحاظ همین اقدامات، در دوران حکومت او سرقت و شرارت به کمترین حد ممکن رسید و امنیت به طور مطلوب در شهر برقرار شد. سعدالسلطنه علاوه بر اهتمام در ایجاد آبادانی و حفظ نظم و امنیت، در فرصت‌های مناسب و به بهانه‌های مختلف به سرکیسه کردن اعیان و اشراف می‌پرداخت. با اخل خود را افزایش می‌داد. البته او در کنار این کار، به وظیفه خود در قبال شاه، امین‌الدین دربار، به خوبی آگاه بود و با فرستادن هدایا و پیشکش‌های گوناگون، از راضی نگاه داشتن آن‌ها غافل نمی‌شد. سعدالسلطنه در به دست آوردن دل ناصرالدین شاه و امین‌السلطان و تأمین رضایت اربابان آنان از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد که به عنوان مثال، سجده به ناصرالدین شاه پس از جشن نوروز و سرسوم فرنگ^۳ و مُشت و مال دادن اتابک در راه شوسه قم^۴ نمونه‌ای از این گونه اقدامات محسوب می‌شود.

سعدالسلطنه در کنار انباشتن جیب خود دست‌های دیگر نیز در امور خیریه داشت که از آن جمله می‌توان به ساخت رختشوی‌خانه، دادن ۱۵۰۰ تومان برای نظیف محله‌های بی‌بضاعت، خرید زغال برای محرومین در زمستان و اهدا وقف زمین به ساخت مدرسه امید اشاره کرد.

باقر خان در دوران حکومت خود در قزوین، دو دفعه شورش عمومی مواجه شد که هر دو بار، به عزل او منجر گردید. مرتبه اول در عصر ناصری در اعتراض به قیام تنباکو به قزوین و دیگر بار در عصر مظفری به خاطر شورش صنف کوره‌پز و همراهی برخی از علما با آنان. سعدالسلطنه پس از برکناری از حکومت قزوین، به حکومت گیلان منصوب شد که در

۱. سرآغاز عکاسی در قزوین، چاپ دوم، ص ۳۰۵.

۲. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص، به پیوست ۱: «داستان‌هایی درباره سعدالسلطنه در هنگام حکومت قزوین» مراجعه نمایید.

۳. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، کتاب سوم، ص ۱۲۱.

۴. سفرهای ناصرالدین شاه به قم، ص ۱۵۲.

نهایت، برخورد خشن وی بایکی از روضه‌خوانان این خطه، منجر به شورش عمومی و برکناری او گردید. عزل سعدالسلطنه، با احداث راه شوسه رشت^۱ که موجبات نارضایتی عده‌ای از روحانیون و کسبه را فراهم کرده بود ارتباط مستقیمی داشت.

پیشکاری کلیه امور امیرنظام (صاحب اختیار آذربایجان)، حکومت خلخال، اردبیل و مشکین شهر و وزارت بلدیة تهران، از دیگر مشاغل سعدالسلطنه در اواخر عمر وی به شمار می‌رود. حکومت آذربایجان آخرین تجربه سعدالسلطنه در عرصه حکومتداری بود که بیش از چند ماه به طول نیامید و در نهایت به مرگ وی منتهی گردید.

در خصوص سعدالسلطنه اظهار نظرهای متعدد و متناقضی شده است. غلامحسین افضل‌الملک در عصر صفوی پس از انتصاب سعدالسلطنه به حکومت گیلان در ستکاری، مملکتداری و عدالت‌داری را چنین ستوده است: «این مرد، ابدأً خط خواندن را نمی‌داند و درس نخوانده است. ولی کاش می‌فهمید صاحب سوادهای ایران مثل این شخص بی‌سواد بوده، لکن حسن معاملات و طرز محامالت و درست حسابی و قاعده‌دانی و نظم مملکت‌داری و حفظ مراتب ایشان هم مثل این شخص بود» و واقعاً باید نهایت تمجید را از او به عمل آورد. این مرد، با نظم و ترتیب است. از اشخاصی است که در حکومت، نظم و ارزانی مملکت و آسایش رعیت و درست حسابی و حفظ آبرو را به پروردگار و خوردن منافع و گرفتن رشوه از تجار و کسبه و راهداران ترجیح می‌دهد. این مرد بنده را نمی‌شناسد. بنده هم شخصاً او را نمی‌شناسم. خانه‌اش را نمی‌دانم. در تمام عمر به او و امثال او حاجت روا هم داشت و از پنج هزار نفر مثل او و بالاتر از او مستغنی هستم. لکن انصاف این است که باید حسن در ستکاری و عدالت و نظم او را نگاشت. این شخص، از سه چهار نفر مردمی است که در این کشور و حساب و رشوه نخوردن، بر تمام وزرا و امرا و حکام ایران ترجیح دارند و منتخب هستند»^۲.

عبدالحسین خان ملک‌المورخین در شرح وقایع سال ۱۳۱۸ وی را «فردی عاقل و متقلب خوانده» و می‌نویسد: «در ربیع‌الاول، آقا باقر سعدالسلطنه امیرتومان که مردی عاقل و متقلب است، پیشکار کلیه امور محمدباقر خان امیرنظام صاحب اختیار آذربایجان می‌شود»^۳.

ملک‌المورخین در یادداشت‌های رجب سال ۱۳۲۳ در هنگام انتصاب سعدالسلطنه به جای

۱. سعدالسلطنه یکی از سهامداران عمده این راه بود.

۲. افضل‌التواریخ، ص ۱۸۷.

۳. مرآة‌الوقایع مظفری، ج ۱، ص ۵۸۲.

محمدباقر اعتمادالسلطنه به عنوان وزیر بلدیه تهران، نظر پیشین خود را نقض کرده و در خصوص درستکاری او چنین نوشته است: «آقا باقر سعدالسلطنه که مرد عاقلی در ستکاری می‌باشد، به جای او منصوب می‌شود. اگر چه سعدالسلطنه درس نخوانده، لکن در نظم نرخ، خیلی علم دارد.»^۱ سعدالسلطنه یکی از رجال ثروتمند ایران بود و زندگی بسیار مجللی داشت. اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های شنبه ۲۷ ذی‌قعدة سال ۱۳۱۱ قمری در این خصوص می‌نویسد: «خانه سعدالسلطنه اگر چه در محلات کثیف طهران واقع است^۲، بایستی زیاده از صد هزار تومان خرج کرده باشند و دو سه اطاقش و گلخانه‌اش که من دیدم متجاوز از هشتاد چهلچراغ آویخته شده بود. این شخص، بیست سال قبل از این که از سفر فرنگ اول شاه که مراجعت می‌کردم و از تفلیس تاشکند را می‌گذشت بود باقر تنها بود، متهاصا محض خصوصیت، آقا باقرش می‌گفتیم و سقا بود و در این عین راه تفقاز، از برای من آشپزی می‌کرد. حالا هر اطاقش به قدر تمام مایملک^۳ من اسباب دارد. تفهیر تو من هیچ گردون تفو»^۴

عین‌السلطنه نیز یادداشت‌های سه شنبه هشتم شعبان سال ۱۳۱۴ قمری در خصوص ثروت و املاک و مستغلات سعدالسلطنه می‌نویسد: «مستغل زیادی هم [در] قزوین به هم زده... صد و پنجاه هزار تومان متجاوز و کتین و بار و سرا دارد»^۵

در یک جمع بندی کلی دربارهٔ سعدالسلطنه می‌توان چنین گفت که وی فردی بی‌سواد، اما باهوش، زرنگ، فعال، موقع شناس، کاری، بار دان، لاس و ثروت اندوز بود. فردی که به اقدامات عمرانی علاقه بسیاری داشت، در جلب رضایت مافوق می‌کوشید، ثروتمندان را سرکیسه می‌کرد، به جمع کردن ثروت می‌پرداخت، دستی در کارهای خیر و خست در تنظیم قیمت‌ها، جلوگیری از سرقت و شرارت و برقراری امنیت متبحر می‌بود. او اگر چه در زمان حکومت خود، رضایت مردم را به طور نسبی جلب کرد، چهار دفعه با شورش عمومی مواجه شد، دو بار آن در قزوین و نوبت‌های دیگر در رشت و زنجان روی داد.

وی با وجود برخی خصایص منفی شخصیتی، در مقایسه با دیگر حاکمان عصر قاجار،

۱. مرآة‌الوقایع مظفری، ج ۲، ۸۰۶.

۲. خانه سعدالسلطنه در محله چاله میدان بوده است.

۳. دارایی.

۴. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۹۶۲.

۵. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۲، ص ۱۱۳.

عملکرد نسبتاً خوبی از خود بر جای گذارد و این عملکرد در هنگام حکومت او در قزوین، نسبت به شهرهای دیگر نمود بیشتری داشت.

شخصیت جالب سعدالسلطنه و تلاش‌های ارزنده او در آبادانی و عمران قزوین در دوران حکومت بر این شهر تاریخی، نگارنده را بر آن داشت که کتابی را درباره‌ی وی تألیف نماید. روش نگارنده در این اثر تحقیقی، این بوده است که از یکسو نگری و قضاوت یک طرفه پرهیز نموده و محاسن و معایب این رجل عصر قاجار را با هم در نظر بگیرد. از همین روی، ضمن پرداختن به همه‌ی جوانب زندگی‌اش، تمامی اظهار نظرهای درباره‌ی او را در این کتاب گرد آورده و تلاش نموده تا چهره و شخصیت واقعی وی را همان گونه که بوده است، برای مخاطبین ارجمند ترسیم نماید. امید است که این تلاش ناچیز، مورد توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان تاریخ قرار گیرد.

مهدی نورمحمدی

قزوین: صندوق پستی ۱۷۹۳ - ۳۴۱۸۵

mehdi.nour.m@gmail.com